

آینة

کیمیا

«بیشتر در برابر بیشتر» یعنی خسارت بیشتر در برابر امتیازدهی بیشتر!
● علی‌رغم اثبات بی‌دست‌آوردی برجام و اذعان دولتمردان به بدعهدی آمریکا و ناتوانی اروپا در احقاق حقوق برجامی ایران، اما متأسفانه مقامات ارشد دولت همچنان معیشت مردم را به مذاکره و توافق با اروپا و آمریکا کره زده‌اند. در سال ۹۴، فضاسازی حامیان برجام درباره دست‌آورد‌های برجام، تا جایی پیش رفت که عده‌ای از مردم به خیابان‌ها آمده و به جشن و پایکوبی پرداختند و در یک دست اسکناس یک دلاری و در دست دیگر اسکناس‌های ۵۰۰ و هزارتومانی گرفتند، به این خیال که در آینده نزدیک، قیمت هر دلار، ۱۰۰۰ تومان خواهد شد. اما در پسابرجام قیمت دلار تا حدود ۱۹ هزارتومان افزایش یافت. التهابات بازار ارز و در ادامه هدررفتن ۱۸ میلیارد دلار به واسطه سیاست غلط دلار ۴۲۰۰ تومانی، سفره مردم را کوچک و خانوارهای ایرانی را با مشکلات عدیده معیشتی مواجه کرد. همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شد، راه مقابله با تحریم‌ها، نه مذاکره و توافق، بلکه مجاهدت خستگی‌ناپذیر و شبانه‌روزی، اطمینان به وعده الهی و اعتماد به ظرفیت‌های عظیم داخلی و به‌کارگیری نیروی متخصص، جوان و انقلابی است. در پایان می‌توان خطاب به آقای روحانی گفت باید مراقب پوست خربزه‌هایی که غرب و برخی دنباله‌های داخلی آنان برای وی تدارک دیده‌اند باشد و فراموش نکند همان‌طور که خود در سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد، آمریکا رازهن بین‌المللی است.

نیاز به نظارت

خرج سفره‌هایس از ۴۲۰۰

کالاهای حذف‌شده از سبد دریافت ارز ارزان، خرج سفره‌های مردم را چقدر افزایش دادند؟ گزارش نیمه نخست اسمال مرکز آمار نشان می‌دهد که تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده در این مدت ۱۰۶ درصد بوده است. گروهی اعتقاد داشتند حذف ۴۲۰۰ هزینه سفره مردم را به‌شدت افزایش می‌دهد. اما آمارها نشان می‌دهد که در نیمه نخست اسمال از شش خوراکي که در لیست حذفی‌ها قرار گرفتند، نیمی از آنها کمتر از پنج درصد افزایش قیمت داشتند و افزایش قیمت دو کالا در سطح تغییرات شاخص کل بود. تنها کالایی که بیش از میانگین رشد قیمت داشته جای خارجی بوده است. این کالا در پایان نیمه نخست نسبت به ابتدای سال تورم ۷۰ درصدی را ثبت کرده است. نکته قابل تأمل درخصوص تورم قیمت جای این است که نرخ ارز تخصیص به جای ۲۰۰ درصد افزایش پیدا کرده اما تغییر قیمت آن در سطح ۷۰ درصد بوده است. بنابراین این شکاف نیز می‌تواند شاهدهی از کم‌اثری تخصیص دلار ۴۲۰۰ باشد. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان معتقدند که اختصاص ارز ارزان بیش از اینکه به کاهش هزینه سفره‌های مردم کمک کند، پتانسیل افزایش رانت و فربه‌کردن دلالات را ایجاد کرده است. بنابراین باید سیاست‌های حمایتی به‌گونه‌ای انجام شود که با دقت بیشتری به هدف اصابت کند و رانت نصیب عده‌ای خاص نشود.

رسانه

پایان عصر فریدون

سیدمحمد بحرینیان؛ به نظر می‌رسد فساد مالی فریدون و نگاه جامعه به او، کار را به جایی رسانده که هیچ‌کس حتی برادرش، هزینه دفاع علنی از او را نمی‌پذیرد. پیش‌ازاین در مناظرات انتخابات ریاست جمهوری، یکی از کاندیداهای گفته بود که تخلفات فریدون، پیش‌ازاین به شخص رئیس‌جمهور اعلام شده اما او زیر بار رسیدگی نرفته است. فعالیت‌های فریدون از جمله ارتشا، تأسیس صرافی هنگام حضور در دولت، تحصیل غیرقانونی در مقطع دکترا و دخالت و نفوذ در انتصابات به‌ویژه در حوزه مالی، چهره‌ای به‌شدت غیرقابل‌دفاع از برادر رئیس‌جمهور ایجاد کرد و جامعه را به سمت مطالبه مجازات او برد، تا جایی که هیچ‌کس نتواند یا حاضر نباشد از او دفاع کند. بدون تردید، نقش افکار عمومی، رسانه‌ها و فعالان شبکه‌های اجتماعی در این زمینه، تعیین‌کننده بوده است.

وحیده کریمی؛ پخش اعترافات تلویزیونی قرار است ممنوع شود؛ این را محمود صادقی، نماینده مجلس شورای اسلامی گفته است. او در پی نهایی‌کردن طرحی است که در صورت قانون‌شدن، می‌تواند پایانی باشد بر فیلم‌هایی که متهمان مختلف برخلاف میل باطنی یا به خواست و اراده خود در مقابل دوربین می‌نشینند و با ابراز ندامت از کرده خود به تشریح نحوه وقوع جرم و اهداف و انگیزه خود می‌پردازند و گاهی برخی نیز بعد از رهایی از زندان، هرچه را گفته بودند انکار می‌کنند و به اماوگرهای بسیاری دامن می‌زنند.

پخش اعترافات تلویزیونی دیگر مشتری‌های سابق خود را ندارد و شاید نقطه عطف پخش اعترافات تلویزیونی برای نسل جوان، مربوط به ماجراهای اعتراض به نتیجه انتخابات در سال ۸۸ و دادگاه‌های آن روزها باشد، اما پخش اعترافات تلویزیونی مسبق به‌سابقه است و عمری طولانی دارد. حتی باید اذعان داشت آنچه در اوایل انقلاب و در دهه ۶۰ از تلویزیون ملی پخش می‌شد تأثیرگذارتر و پرمخاطب‌تر از این سال‌ها بوده است؛ مانند اعترافات سمران حزب توده که هنوز هم راجع به اعترافات آنها بحث و گفت‌وگو می‌شود؛ برای مثال سیدحسین موسوی‌تبریزی، دادستان کل انقلاب، از دیدار با زندانیان، از جمله کیانوری به هفته‌نامه «آسمان» چنین گفته بود: «یک‌بار در جریان بازدید از زندان، کیانوری خواسته بود که با من صحبت کند. با هم صحبت کردیم و به من گفت که اینجا از من می‌خواهند که اعلام کنم مسلمان شده‌ام. این برای من کاری ندارد که بگویم مسلمان شده‌ام. اما برای شما زشت است. می‌خندند که باور کرده‌اید کیانوری بعد از ۷۰ سال کمونیست‌بودن، مسلمان شده است. خلاصه اینکه می‌گفت من امام را یک شخصیت انقلابی و ضدامپریالیسم می‌دانم و او را قبول دارم و از انقلاب هم حمایت می‌کنم، اما اینکه بگویم مسلمان شده‌ام برای شما خوب نیست. من هم تذکر دادم که این کارها را نکنند، البته بعدها دیدم که احسان طبری هم اعتراف کرده و گفته که من مسلمان شده‌ام».

اعترافات مهدی هاشمی در ۲۰۴ مجزا

به‌رحال نورالدین کیانوری، دبیرکل حزب توده و محمود اعتمادزاده (م. الف به‌دآذین) و احسان طبری و… در مقابل دوربین‌ها نشستند و با اعتراف به اشتباهات خود به نوعی ادامه‌دهنده روندی بودند که با اعترافات تلویزیونی گروه فرقان از شبکه سراسری آغاز شده بود و تا امروز ادامه داشته است، اما اگر بخواهیم به یکی از مهم‌ترین اعترافات در رسانه ملی اشاره کنیم، شاید اعترافات مهدی هاشمی از تأثیرگذارترین و پرحاشیه‌ترین‌ها تا به امروز بوده باشد. مردی که پس از انقلاب، مسئولیت واحد روابطعمومی و عضو شورای عالی فرماندهی سپاه بود و مسئولیت نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برعهده داشت و تا انحلال این واحد به فعالیت در این سمت ادامه داد. ری‌شهری، وزیر اطلاعات وقت، دلیل دستگیری سیدمهدی هاشمی را کشف یک خانه تیمی وابسته به تشکیلات نهضت‌های آزادی‌بخش اعلام کرده بود. او بعدها در بیان مجاری اعترافات مهدی هاشمی نوشته است: «بر پایه گزارشی که به من (ری‌شهری) داده شد، روزی مهدی هاشمی از بازجوی خود درخواست کاغذ و قلم کرد و نامه‌ای خطاب به این‌جانب نوشت. گویا در این نامه، سوگند یاد کرده بود که همه مطالب خود را بازگو کرده و دیگر چیزی برای گفتن ندارد. نامه را به باز جو داد که به من برساند. پس از گرفتن نامه توسط بازجو، ناگهان مهدی هاشمی سراسیمه از بازجو خواست که نامه را به او پس بدهد! بازجو نامه را به او پس داد. هاشمی‌نامه خود را گرفت و بلافاصله آن را پاره کرد و همچون کسی که از دردی کشنده رنج می‌برد و عقده‌ای او را آزار می‌دهد،

سیاست

پایان اعتراف‌های تلویزیونی؟

مجلس به دنبال ممنوعیت ضبط و پخش اعترافات اشخاص از صداوسیماست

شروع به اشک‌ریختن کرد و پس از اندکی گریستن گفت: «به دروغ نوشتم که چیزی برای گفتن ندارم. کاغذ بدیدت تا آنچه دارم، بنویسم». پس از این حادثه مهدی هاشمی پذیرفت که در دو مصاحبه شرکت کند؛ یکی مفصل، مشروط به اینکه تنها به امام (ره)، منتظری و حداکثر سمران سه قوه ارائه شود و دیگری کوتاه، برای ارائه به مردم. از طریق رسانه‌ها، آقای ری‌شهری در ادامه می‌نویسد: «چند روز بعد، خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارش کوتاهی از اقدامات انجام‌شده، نوار پاداشده را تقدیم ایشان کردم. نکته قابل‌توجه اینکه امام هنگام تقدیم نوار مصاحبه مهدی هاشمی فرمودند: «اگر این نوار را هم برای آقای منتظری بگذارید، باز هم قبول نخواهد کرد و خواهد گفت که این اعترافات را در اثر فشار و شکنجه از او گرفته‌اید!» به امام عرض کردم: «تا امروز حتی یک ضربه شلاق هم به او زده نشده است». در اعتراف تلویزیونی‌ای که پخش شد، مهدی هاشمی، فرد نزدیک به قائم‌مقام رهبری در آن زمان، به دو جرم خود اعتراف کرده بود؛ یکی ارتباط با ساواک در پیش از انقلاب و دیگری دو فقره قتل که در نهایت به اعدام محکوم شد.

پای‌مدل‌هاهم به‌اعترافات تلویزیونی بازشد

البته ماجراهای اعترافات تلویزیونی همیشه سیاسی و پر از ماجراهای پیچیده نبوده، حتی چندسالی است که ممکن است در روشن‌کردن تلویزیون شاهد اعترافات هر متهمی با هر سن‌وسالی باشیم؛ برای نمونه پای خاتم مدل که روزی مهمان برنامه تلویزیونی بود و روز دیگر نادم و پشیمان از کار مدلینگ هم به اعترافات تلویزیونی باز شد.

دروغین‌بودن اعترافات متهمان ترور دانشمندان هسته‌ای

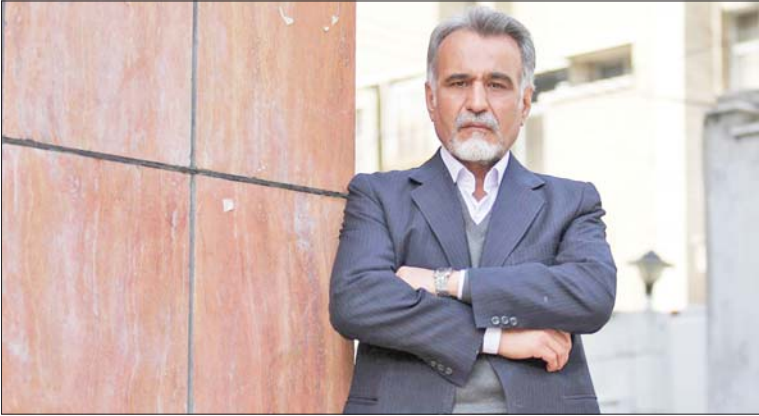
با لوٹ‌شدن اعترافات تلویزیونی و کم‌اهمیت‌شدن تأثیرگذاری این سبک روشنگری ازسوی رسانه ملی، یکباره شاهد تکذیب اعترافات تلویزیونی متهمان ترور دانشمندان هسته‌ای بودیم. مازیار ابراهیمی که در برابر دوربین‌ها به ارتباط با موساد و قتل دانشمندان هسته‌ای اعتراف کرده و از کرده خود بسیار نادم و پشیمان بود و انتظار می‌رفت برای چنین جرمی اعدام شده باشد، یکباره مشخص شد زنده است و در آلمان زندگی می‌کند. ابراهیمی در گفت‌وگویی توضیح داد که او و برخی از افرادی که تن به اعتراف اجباری داده بودند، بر اثر یک اتفاق بی‌گناهی‌شان اثبات شده و آزاد شده‌اند. ادعایی که مسئولانی دولتی مانند سخنگوی دولت آن را تأیید کردند و به گفته محمود صادقی، آنها حقیقتا بی‌گناه بوده‌اند و پس از «حراز بی‌گناهی» آنها، وزارت اطلاعات چهار میلیارد تومان بابت جبران خسارت به این افراد پرداخت کرده است. تأیید پخش اعترافات دروغین باعث انتقاد به این شیوه اطلاع‌رسانی در کشور شد. از جمله منتقدان علی‌مطهری بود که در مصاحبه‌ای پای حیدر مصلحی را به پرونده ترور دانشمندان هسته‌ای باز کرد و گفت: «دولت و حکومت باید پاسخ‌گو باشند. اینکه تروری اتفاق افتاده و بعد مسئولان امنیتی و اطلاعاتی کشور برای اینکه به‌سرعت جوابی به مردم دهند و مسئولیت را از سر خود باز کنند، اقدام به بازداشت افرادی کنند و بعد هم آنان را تحت فشار مجبور به اعترافاتي درباره ترور دانشمندان هسته‌ای ایران کنند و در صداوسیماي جمهوری اسلامی هم نمایش دهند، اصلا متناسب با اخلاق و روش‌های اسلامی ما نیست. از نظام جمهوری اسلامی که وارد عمل شد و این افراد را نجات داد، متشکریم ولی به‌هر‌حال دولت و حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات سابق، حتما باید پاسخ‌گوي این موارد باشند. آنها باید بگویند که چرا و به چه دلیل با چه مجوزی این اقدامات را انجام دادند».

هنگ‌حرمت‌افراد دستگیر شده جرم‌است

با توجه به حواشی پخش اعترافات تلویزیونی، چندی پیش نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی از تقدیم طرح «ممنوعیت ضبط و پخش

احمد خرم در گفت‌وگو با «شرق»:

شرط اصلاح‌طلبان در انتخابات دغدغه مردم باشد



به آمریکا بیش از هر زمان دیگری منفی است، باید نسبت به سایر اعضای باقی‌مانده توافق هم منفی باشد؛ زیرا این کشورها هیچ‌یک دست‌کمی از دیگری ندارند و هرکدام به فکر منافع خود هستند. برای همه این کشورها وقتی روسیه و چین به ایران قول داده بودند که قطع‌نامه‌ها را امضا نکنند اما هر شش قطع‌نامه شورای امنیت را حتی زودتر از سایرین امضا کردند. بنابراین ما باید مسئله خود را با رئیس‌لا‌تهای جهان حل کنیم، در غیر این صورت مذاکره با هر یک از این کشورها به تنهایی فایده‌ای ندارد؛ چراکه اخیرا رئیس‌جمهور در گفت‌وگویی با مکرون گفته بود ایران باید نفت خود

را بفروشد تا مسئله تأمین مواد غذایی و دارویش حل شود اما رئیس‌جمهور فرانسه زیر بار نرفت. امروز مسئله این نیست که آمریکا بد است و اعضای توافق هسته‌ای خوب هستند. زیرا همه این کشورها وقتی منافعشان تأمین نشود، گردن‌کشی می‌کنند. بنابراین از آنجا که به نظر می‌رسد شرایط فراهم شده، باید نشست و مسئله را حل کرد و با رسیدن به توافق، مردم را از مخمصه کنونی خارج کرد. ورود به مذاکره اقدام درست و قهرمانانه‌ای بود که وزارت خارجه و دولت مسئولیت آن را بر عهده گرفت و توافق هسته‌ای سال ۹۴ به‌عنوان دومین مذاکره دیپلماتیک و ارزشمند بعد از حمله روس‌ها به ایران یا قرارداد ترکمن‌چای در تاریخ ماندگار شد. البته اشتباه اساسی در برجام این بود که با مهره اصلی وارد مذاکره نشده بودیم. از این‌رو، نخست باید مشکل را با آمریکا حل کرد. به همین دلیل ما دولت باید دیپلماسی قوی‌تری اعمال کرد. در مقطع کنونی وزیر خارجه هیچ کاری جز رازبازی با مقامات اروپایی و سایر کشورها نباید داشته باشد و باید از این کشور به کشور دیگر سفر کند تا بتواند از طریق دیپلماسی از میزان فشارهای آمریکا بکاهد. در مقطع فشرده کنونی باید یک دیپلماسی سنگین اعمال کرد تا آمریکا از موضع خود کوتاه بیاید و بتواند مذاکره کرد. این توافق باید برد برد و به نفع ایران باشد. قبل از هر توافقی نیز باید ابتدا تحریم‌ها رفع شود و ایران با فروش نفت مشکلات خود را حل کند.

۴ عده‌ای همچنان بر این اعتقادند اکنون به دلیل وجودنداشتن شرایط مناسب جهت مذاکره باید از طریق اروپا وارد شد؛ در این صورت تاچه‌اندازه می‌توان به نتیجه امیدوار بود؟

اعترافات اشخاص از صداوسیما و دیگر رسانه‌ها» به هیئت‌رئیسه مجلس خبر داده و در توییتی نوشته بود: «به موجب اصل سی‌ونهم قانون اساسی هنگ حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. بر این اساس مراجع قضائی و ضابطان دادگستری مکلف‌اند حرمت و حیثیت اشخاصی را که به هر نحو در مظان اتهام و مورد بازجویی و تحقیق قرار گرفته‌اند، رعایت کنند».

پاسخ‌مراجع‌تقلید به‌سوالی درباره‌پخش اعترافات تلویزیونی

ماجرای ممنوع‌کردن یا غیراخلاقی دانستن پخش چنین اعترافاتي به استفا از مراجع هم رسیده است. سیدعلی مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در صفحه توییتر خود تصویری از پاسخ آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی را به استفتائی درباره پخش اعترافات تلویزیونی پیش از اثبات جرم منتشر کرده است. این مرجع تقلید در پاسخ به این استفا نوشته است: «تا زمانی که جرم و اتهام شخص متهم ثابت نشده، نمی‌توان اسم و تصویر و اقارری را که داشته است، منتشر کرد و حتی بعد از ثبوت هم اگر جرم مخفی بوده، آشکار کردن آن جایز نیست». آیت‌الله بیات‌زنجانی نیز در این‌باره گفته است: «این کار علاوه بر اینکه مشروع نیست، از نظر اخلاقی نیز درست در برابر کرامت انسان و حرمت اوست و بنا بر روایات مستند و مورد وثوق این اعترافات در دادگاه نیز قابلیت استناد ندارد».

ضبط اعترافات و پخش آن تا ۳ سال حبس خواهد داشت

در همین راستا، محمود صادقی گفته است: «گاه دیده می‌شود صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران مباردت به پخش اعترافات اشخاصی می‌کند که در مظان اتهام و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند که چه‌بسا پس از تحقیقات بیشتر و رسیدگی قضائی بی‌گناهی آنها ثابت می‌شود». نماینده مردم تهران در مجلس تصریح کرد: «این امر علاوه بر اینکه موجب هنگ حیثیت اشخاص می‌شود، به اعتماد عمومی و اعتبار دستگاه‌های حکومتی نزد افکار عمومی آسیب جدی وارد می‌کند. طرح حاضر به‌منظور پیشگیری و مقابله با این اقدام ضبط و پخش اعترافات ممنوع و برای آن متناسب با مقررات جزائی در موارد مشابه ضمانت اجرای کیفری مقرر شده است». صادق عزانی اعلام کرد که در متن این طرح آمده است: «ضبط اعترافات اشخاص و پخش آن از صداوسیماي جمهوری اسلامی و دیگر رسانه‌های گروهی در هر مرحله از مراحل تحقیق و تحقیقات مقدماتی ممنوع است و مرتکب، اعم از تهیه‌کننده و پخش‌کننده، علاوه‌بر الزام به اعاده حیثیت از متهم به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». او خاطرنشان کرد که در این طرح همچنین آمده است: «در صورتی که عمل ضبط یا پخش توسط یا به دستور مقامات یا مأموران وابسته به نهادهای و دستگاه‌های حکومتی انجام شده باشد مقام یا مأمور مذکور علاوه بر مجازات فوق به انفصال از خدمت و محرومیت از یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی محکوم خواهد شد». طرح ممنوعیت پخش اعترافات تلویزیونی در صورت تصویب، به قانونی ترقی در روند قانون‌گذاری ما تبدیل خواهد شد و حداقل دست‌آوردش گرفتن بهانه از دشمنان انقلاب و نظام است را با نقد این اعترافات اعتبار رسیدگی به جرائم افرادی را که تن به اعترافات تلویزیونی داده‌اند، زیر سؤال آوردند و مجرمان واقعی بعد از رهایی با رد اعترافات خود مفری برای پنهان‌کردن چهره مجرم خود پیدا نکنند و نقش انسان‌های مظلوم و بی‌اراده را بازی نکنند. از سویی دیگر، شاهد سوءاستفاده‌هایی مانند ماجرای متهمان ترور دانشمندان هسته‌ای نخواهیم بود تا پرونده مهم رسیدگی به این ترورها را به حاشیه ببرد و افراد بی‌گناه را جایگزین مجرمان واقعی کند.

 					
اروپا بارها اعلام کرد ما حتی یک بشکه نفت هم نمی‌توانیم از ایران بخریم. ازاین‌رو، ایران اکنون به چهار کشور هند، چین، کره و ژاپن نفت می‌فروشد. در مقابل هم کالای اساسی مورد نیاز خود را می‌خواهد که ۹۰ درصد این کالاها هم در اختیار آمریکاست اما این کشور اجازه انعقاد قرارداد را به‌هیچ‌روی نمی‌دهد. باید اذعان داشت که مشکلات ایران با فروش نفت به چهار کشور هند، چین، کره و ژاپن حل نمی‌شود. اگر اروپایی‌ها از ایران نفت خریداری کنند و یک خط اعتباری یورو باز شود، بخش عمده‌ای از مشکلات ایران حل خواهد شد اما بازهم این یک راه‌حل موقت و کوتاهمدت است. زیرا اروپا از جرمیه‌های آمریکا هراس دارد؛ چراکه اگر دو کشتی اروپایی توقیف شود، آبروی این کشورها خواهد رفت. بنابراین بدیهی است که به‌هیچ‌روی در چنین شرایطی نفت ایران را خریداری نخواهند کرد. به همین دلیل ایران باید نیاز ارزی خود را از کشورهایی تأمین کند که رای‌سازی ا بر آنها اعمال نمی‌شود.					
۴ اکنون شرایط به‌گونه‌ای است که به دلیل مشکلات اقتصادی، برخی بر این اعتقادند که حضور مردم در انتخابات کمرنگ خواهد بود و اصولگرایان فاتح مجلس با‌زهم خواهند شد، نظر شما چیست؟					
در انتخابات مجلس تا حدی انگیزه مردم برای مشارکت فعال، کم‌شده است. به همین دلیل حضور مردم در انتخابات مجلس آینده نیز مطلوب خواهد بود. اما به هر روی، اصلاح‌طلبان حاضر نیستند تحت هر شرایطی حضور شورآفرینی در انتخابات داشته باشند زیرا در صورتی که مطالبات مردم بدون پاسخ باقی بماند، روی کاهش مشارکت و رأی‌شان نیز تأثیر خواهد گذاشت. به همین دلیل نیز این انگیزه باید از سوی حاکمیت در مردم ایجاد شود. آنچه حضور به چهره‌های سرشناس و دغدغه‌مند، زمینه را برای مشارکت حداکثری همه طیف‌های جامعه در انتخابات پیش‌رو فراهم کند. علاوه بر این، مردم مطالبات اقتصادی دارند که عدم تحقق آن، تأثیری منفی روی جامعه گذاشته است. بخشی از جامعه ایران مطالبات سیاسی دارند و باید سخن خود را مطرح کنند اما برعکس با آنها برخورد می‌شود. مطالبات اقتصادی دارند که عدم تحقق آن، تأثیری منفی روی جامعه گذاشته است. بخشی از جامعه ایران مطالبات سیاسی دارند و باید سخن خود را مطرح کنند اما برعکس با آنها برخورد می‌شود. دربارۀ احیای حقوق عامه سؤال پرسیده شده و مطالبه‌گری صورت می‌گیرد، به همان میزان نیز نهادهای متولی امر وکالت باید پاسخ‌گوی عملکرد خود در این جهت باشند.					
ادامه در صفحه ۱۴					

روزنه

احیای حقوق عامه مسئله فراموش‌شده نهاد وکالت

● جواز اعطای پروانه‌ای که منشأ فعالیت در حوزه‌ای خطیر، حساس، تأثیرگذار و بنیادین در کشور است و هم برای دریافت‌کننده پروانه، هم نهاد اعطاکننده پروانه به این واسطه ایجاد درآمد می‌کند، تنها بخشی از صلاحیت‌های شبه‌حاکمیتی است که قانون‌گذار به متولیان نهاد وکالت اعطا کرده است. امکان تنظیم‌گری نحوه فعالیت در حوزه ارائه خدمات حقوقی در چارچوب قوانین و مقررات و حتی رسیدگی به شکایات و تخلفات و برخورد انتظامی با متخلفین تا سرحد امکان ابطال پروانه وکالت از دیگر اختیاراتی است که هیچ نهاد فعالی در بخش خصوصی، امکان بهره‌مندی از آن را ندارد. این اختیارات چرا و به چه منظور به نهاد متولی امر وکالت اعطا شده است؟ آیا هدف از تأسیس این نهاد و اعطای اختیارات گسترده این چنینی، تنها درآمذایی بوده است؟ یا قانون‌گذار مبنایی پذیرفتنی در جهت اعطای اختیارات عمومی و شبه‌حاکمیتی به متولیان امر وکالت در نظر داشته است؟

بی‌شک هیچ حکومتی صرفاً به منظور تأمین

منافع شخصی یا گروهی بخش خصوصی

اقدام به اعطای اختیارات خود به این بخش

نخواهد کرد و در صورت حرکت حکومت

در این جهت، قابلیت نقد جدی به آن وجود

داشت؛ زیرا منابع دینی و قانون اساسی

جمهوری اسلامی نیز به لزوم خودداری از

تبعیض ناروا و توجه خاص به گروه یا صنفی

خاص و تمایز آن نسبت به سایرین تأکید دارد.

پس اعطای چنین اختیاراتی به‌هیچ‌وجه

بی‌دلیل و حکمت نیست.

مبنای تفویض اختیارات شبه‌حاکمیتی به

نهادهای متولی امر وکالت در جهت کاهش بار

تکالیف عمومی دولت و بهره‌گیری از ظرفیت

نخبگان حقوقی در خدمت‌رسانی حقوقی به

آحاد مردم کشور صورت گرفته است. بی‌شک

یکی از مهم‌ترین خدمات حقوقی موردنیاز یا

حتی مهم‌ترین خدمت حقوقی، موضوع حمایت

با صیانت از حقوق عامه است. اساساً تنها در

صورتی می‌توان دولتی را که خود امانت‌دار

صلاحیت‌های عمومی اعطاشده از سوی مردم

به خود است، مجاز به اعطای صلاحیت‌های

خود به دیگران کرد که با رعایت امانت در

جهت مصلحت عموم مردم این اختیارات

تفویض شده باشد. در نتیجه بدون شک،

نهادهای متولی امر وکالت، تنها بهره‌دهرگفتن

مدیریت امر وکالت و پذیرش اختیارات ناشی از

آن، بخش مهمی از تکالیف دولت در حوزه

خدمت‌رسانی حقوقی به آحاد مردم ازجمله

حمایت از حقوق عامه را برعهده گرفته‌اند.

بنابراین از آنان انتظار حرکت، نقش‌آفرینی

مؤثر و اقدامات مسئولانه در این زمینه می‌رود.

همچنین به همان نسبت نیز می‌توان پاسخ‌گویی،

شفافیت، حق‌محوری و عدالت‌گرایی مدنظر

برای حاکمیت را از این نهادهای مطالبه کرد.

بنابراین نهادهی که از امتیازات بخش عمومی یا

اختیارات شبه‌حاکمیتی بهره می‌برند، می‌توانند

خود را از زیر بار مسئولیت‌های شبه‌حاکمیتی یا

پاسخ‌گویی در برابر نحوه ارائه خدمات عمومی

به عموم مردم برهاند یا تکالیف عمومی و

مورد انتظار از بخش عمومی را نسبت به خود

جاری ن‌داند. گفتنی است حمایت از حقوق

عمومی و احیای حقوق عامه که شاید بتوان

آن را مهم‌ترین تکلیف حاکمیت در حوزه

خدمت‌رسانی حقوقی به آحاد مردم کشور

دانست، مهم‌ترین کارویژه نهادهای متولی امر

وکالت خواهد بود. در این راستا حتی رهبر

معظم انقلاب در دیدار اخیر خود با اعضای

مجلس خبرگان درباره احیای حقوق عامه

گفتند: «فارغ از اینکه یک فرد مسلمان است یا

غیرمسلمان و یا به نظام اسلامی وفادار است

یا نیست، حقوق عمومی آن باید محفوظ باشد،

مثلاً نباید در کشور نامتی وجود داشته باشد

و باید آزادی و نگاه عادلانه برای همه مردم

یکسان باشد». حال باید متولیان نهاد وکالت

در این راستا چند اقدام اساسی داشته باشند.

ابتدا باید نسبت به میزان تحقق آن و نحوه

عملکرد این نهادها در جهت تضمین و تأمین

حداکثری آن پاسخ‌گو بوده و با شفافیت کامل

خدمت‌رسانی خود را در این زمینه محقق کنند.

سپس گزارش عملکرد خود را در این خصوص

به اطلاع عموم مردم برسانند.

بدیهی است این مسئولیت خطیر نهادهای

متولی امر وکالت در چارچوب قوانین و مقررات

جاری کشور و در کنار مسئولیت سایر نهادهای

و ارکان حکمیتی با شبه‌حاکمیتی تعریف‌شده

و به معنای عام مسئولیت سایر بخش‌های

نخواهد بود؛ اما هم‌زمان نیز باید توجه داشت

هرچه از سایر متولیان امور عمومی و حکومتی

درباره احیای حقوق عامه سؤال پرسیده شده

و مطالبه‌گری صورت می‌گیرد، به همان میزان

نیز نهادهای متولی امر وکالت باید پاسخ‌گوی

عملکرد خود در این جهت باشند.